رسانه های گروهی و تاثیر آنها بر هویت مسلمانان

مولانا، حمید

آنچه در پی می‏آید مقاله‏ای است به‏ قلم پرفسور حمید مولانا که وی آن را به‏ کنفرانس بین المللی هویت اسلامی در قرن بیست‏ویکم که در سال 1998 در لندن برگزار شد،ارائه کرده است.در این‏ مقاله،موضوعات گوناگون از جمله بحران‏ هویت در جهان اسلام،رسانه‏ها و مدرنیته،اسلامی کردن تلویزیون در ایران، هویت اسلامی و رسانه‏های بین المللی، اسلام و اینترنت و...مورد بررسی قرار گرفته است.

مولانا در یک جمع بندی،برای احیای‏ هویت مسلمانان،بر ضرورت نگرش توسعه‏ در جهان اسلام از دیدگاه اسلامی تأکید می‏ورزد.

بحران هویت مسلمانان تحت تاثیر سه عامل‏ متمایز اما وابسته به یکدیگر از رسانه‏های مدرن‏ و فن آوری‏های اطلاعاتی بوده است.در سطح‏ ملی،رسانه‏ها مفهوم مدرن دولت-ملت را تقویت کرده است تا در پدید آمدن یک هویت ملی‏ مساعدت کند.در سطح بین المللی به ویژه پس‏ از جنگ جهانی دوم،رسانه‏های گروهی عمده‏ جهان،چهره مسلمانان دنیا را اغلب در قالب‏های منفی و گمراه کننده به تصویر کشیده‏اند که این ترفند به فرسایش روند تشکیل یک هویت‏ اسلامی کمک کرده است.

بنابراین،تصاویر متناقض هویت‏های ملی، نژادی و تیره‏ای که در رسانه‏ها ترسی-م شده است‏ نه تنها از موانع اصلی شکل گیری یک هویت‏ اسلامی منسجم در سطح ملی و بین المللی بوده، بلکه تاثیر مخربی بر سازماندهی و انسجام‏ جمعیت در روند توسعه داشته است.

گفت و گو و مفاهمه در خصوص دولت- شهر در جهان صنعتی غربی بطور انحصاری با تکامل نوع خاص از دولت پیوند دارد که ریشه‏ها و توسعه آن در اروپای غربی در طول دویست‏ سال گذشته در میان کشورهای مسیحی و سرمایه‏داری یا سوسیالیست شکل گرفته است، در کشورهای اسلامی مفهوم«کشور»به دلایل‏ تاریخی،نوع کاملا متفاوتی از رابطه میان‏ حاکمان با جامعه را عرضه کرده است.در طول‏ چهارده قرن گذشته مفهوم دولت به معنای‏ اسلامی آن روندی را طی کرده است که به هویت‏ منحصر به فردش در جهان معاصر انجامیده‏ است.تقسیم گروه‏های مختلف جغرافیایی، زبانی و ملی در این بخش از جهان در سیستم‏ دولت-شهر نوین از آغاز قرن بیستم،بحران‏ هویتی پایدار را به وجود آورده است.علت‏ تفرقه،شکاف و بحران مداوم هویت در جهان‏ اسلام،نقش متغیر دولت-شهر نیست،بلکه‏ باید دلایل آن را در خود دولت-شهر که توسط رسانه‏ها مورد تاکید و تکرار واقع شده، جست و جو کرد.بطور دقیق بدین جهت‏ بحران‏های ساختار دولت-شهر نوین در جهان‏ اسلام می‏باید در متن فرهنگی خاص خود مورد تحلیل قرار گیرد،چرا که فرا گرد پدید آمدن یک‏ ملت با مناسبات فرهنگی این جوامع غیر قابل‏ مقایسه بوده است.

بحران هویت در جهان اسلامی مورد غفلت‏ بسیاری از نویسندگان و تحلیل گران بوده و هست،زیرا تاکید آنها بر بررسی و تحلیل‏ نهادهای سیاسی رسمی از قبیل احزاب سیاسی، نهادهای بوروکراتیک و ساختارهای دولتی و پارلمانی نوین قرار گرفته است.نهادهای سیاسی‏ و اجتماعی اسلامی و سنتی،کانال‏های سیاسی‏ غیر رسمی هستند که از طریق منافع آنها، تقاضاهای سیاسی و مانند آن ابراز می‏شود. احساسات نهفته و عمیق مسلمانان در خصوص‏ سیستم دولت-شهر که تحت فشار یک فرهنگ‏ مدرن شونده و نقش حیاتی رسانه‏ها در تبلیغ‏ وجود دولت شهرها،همگی توازن نیروهای‏ سیاسی و ملی و منطقه‏ای را دستخوش تغییر کرده‏ است.

امروزه ملل اسلامی با یکی از سخت‏ترین‏ معماهای عصر خود روبه‏رو گشته‏اند که‏ چگونگی برخورد با این بحران(بحران هویت) را به عنوان معضل باقی گذارده است؛زیرا ساختار سیاسی دولت-شهر-بسته به آن که بر چه بنیانی استوار شده باشد-به نوبه خود عامل‏ بی‏ثباتی مسلمانان است.چگونه این شرایط ماهیتا بی سر و صدا به وجود آمده است؟بخشی‏ از این ناشی از غرب و بخش دیگر آن به عهده‏ نخبگان ملی کشورهایی است که قدرت را در آن‏ کشورها تصاحب کرده‏اند.در حالی که غرب، مفاهیمی را توسعه داده است که امروزه برای‏ جهان اسلام آزار دهنده بوده و منجر به جدایی‏ ممالک اسلامی در طول دوران استعمار شده‏ است.ورود ایدئولوژی غربی پدیده‏ای است که‏ در پایان اشغال استعماری متوقف نگردیده‏ است.

در چنین فضایی است که نقش رسانه‏ها در جهان اسلام واجد تامل می‏گردد.پیش از رسیدن‏ عصر مدرن،مراکز ارتباطات در جهان اسلام‏ عمدتا مساجد به هنگام برگزاری نمازهای‏ جماعت روزانه و جمعه و نیز بازارها،میادین و مدارس و مکاتب مذهبی بوده است.مسجد تنها مکانی برای برگزاری نمازهای یومیه نبوده،بلکه‏ مکانی برای انتشار اخبار و عقاید مختلف و حتی‏ محل اخذ تصمیمات سیاسی بوده است.این‏ شکل از ارتباط که«خطبه»نامیده می‏شود،به‏ طرز عمده‏ای بر سنت اسلامی ترکیب مفاهمه‏ مذهبی و سیاسی مبتنی بود.

به هر حال از قرن سیزدهم تا عصر مدرن، جهان اسلام در کسب فن آوری‏های ارتباطاتی‏ جدید به دلایل سیاسی،اقتصادی و اجتماعی‏ داخلی و خارجی ناتوان ماندند.اختراع دستگاه‏ \*«هویت»،به عنوان یک مفهوم‏ اجتماعی-روان شناسانه،اشاره‏ به این دارد که انسان‏ها چگونه‏ خود را در محیط و در رابطه با دیگران درک می‏کنند.

\*در اواخر قرن هیجدهم و نیمه‏ اول قرن نوزدهم،صنعت چاپ‏ امکان تاسیس روزنامه‏های‏ متعددی را در سطح جهان اسلام‏ ایجاد کرد.این دوره از نشر مطبوعات نه تنها مسئول‏ وارد کردن ناسیونالیسم مدرن و سکولاریسم از اروپا بود،بلکه‏ نقش مهمی را در گسترش‏ جنبش‏های اسلامی قرن نوزدهم‏ و نیز مبارزه علیه استعمار اروپایی برعهده داشت.

چاپ توسط گوتنبرگ اروپایی در اواسط قرن‏ پانزدهم،منادی ظهور فرهنگ چاپ،موجب‏ افزایش یکباره و عظیم میزان اطلاعات بشر گردید.در جوامع اسلامی یک شکل از ارتباطات،جایگزین شکل دیگری ]قدیمی‏تر[ نشد،در حالی که ارتباطات شفاهی و مکتوب به‏ طور هم زمان توسعه یافت و در عصر مدرن، اشکال تکنولوژیکی آن کامل شد.بنابراین،رشد وسایل ارتباطی در جهان اسلام بیشتر دارای‏ خصوصیت افزایش کیفی بوده است تا کمی.در طول قرن شانزدهم تا اوایل قرن نوزدهم،زمانی‏ که در برخی از کشورهای اسلامی مانند ایران و ترکیه،شورایی رسمی متشکل از وزیران مذهبی‏ به وجود آمد،نویسندگان اخبار رسمی دولتی‏ جایگاه مهمی پیدا کردند و هر از چند گاهی‏ خبرهای دولتی یا«اخبار»بر منابر مساجد برای‏ عموم خوانده می‏شد.گزارش اخبار رسمی‏ دولتی همچنان به عنوان ابزار رسانه‏ای موفقی‏ برای انتشار اخبار تا زمان آشنایی با روزنامه‏نگاری‏ مدرن انجام وظیفه می‏کرد،سپس دستگاه‏های‏ چاپ به کشورهایی نظیر مصر،هند،ایران و ترکیه در اوایل قرن هفدهم معرفی شد.در اواخر قرن هیجدهم و نیمه اول قرن نوزدهم،صنعت‏ چاپ امکان تاسیس روزنامه‏های متعددی را در سطح جهان اسلام ایجاد کرد.این دوره از نشر مطبوعات نه تنها مسئول وارد کردن ناسیونالیسم‏ مدرن و سکولاریسم از اروپا بود،بلکه نقش‏ مهمی را در گسترش جنبش‏های اسلامی قرن‏ نوزدهم و نیز مبارزه علیه استعمار اروپایی بر عهده‏ داشت.

رشد زود هنگام رسانه‏های گروهی مدرن در جهان اسلام در آغاز با معاضدت و مداخله دولت‏ (دولت-شهر)در تولید و توزیع مطبوعات انجام‏ پذیرفته و سپس تحت تاثیر رهبران دینی و غیر دینی قرار گرفته است،چرا که این رهبران در پی استفاده از مطبوعات در جهت اصلاحات‏ سیاسی-اجتماعی بوده‏اند.بنابراین،در طول‏ دو دهه آخر قرن نوزدهم،دو سبک از مطبوعات‏ در سطح جهان اسلام در حال رشد بوده است: مطبوعاتی که توسط نخبگان تربیت‏یافته و فارغ التحصیل از غرب،اداره می‏شد که در پی‏ اشاعه عقاید اروپایی سکولاریسم،لیبرالیسم و ناسیونالیسم مدرن بوده‏اند و نیز مطبوعاتی که به‏ وسیله رهبران مذهبی و اصلاح گران اسلامی‏ مانند سید جمال الدین(معروف به افغانی)اداره‏ می‏شوند-مردی که برای ایجاد یک جامعه‏ اسلامی واحد متشکل از خاورمیانه،آسیا و شمال آفریقا مبارزه می‏کرد-نفوذ سید جمال الدین در بیشتر کشورهای اسلامی به‏ ویژه ایران و مصر قوی بود.او و پیروانش‏ روزنامه‏های متعددی را به چاپ رساندند از جمله‏ آنها روزنامه معروف«عروة الوثقی»بوده است که‏ در بسیاری از کشورهای اسلامی توزیع می‏شد.

با آغاز قرن جدید،ابزار جدید ژورنالیسم در سطح گسترده‏ای در میان کشورهای اسلامی از اندونزی تا شمال آفریقا مورد استفاده قرار گرفت.

معرفی دولت-ملت و اتخاذ آن در کشورهای‏ اسلامی،فضایی بحرانی را ایجاد کرد که در آن‏ مداخله و ورود بیگانه با کنترل پنهان داخلی‏ صورت می‏پذیرفت.قدرت سیاسی از جامعه و رهبران سیاسی-مذهبی به ارتش و نخبگان‏ بوروکراتیک منتقل شد.به طور خلاصه نظام‏ دولت-ملت دیگر جنبه‏های ایدئولوژی‏ها و نهادهای غربی نوین را معرفی کرد،به طور کلی‏ عموم مردم،رهبران جدید و نخبگان را عوامل‏ قدرت‏های خارجی و عناصری می‏دانستند که از طریق آنها سیستم جدیدی از استعمار و سیاست‏های ایدئولوژیک بر جامعه تحمیل شد.

بنابراین،هر پیروزی دولت-ملت نوین در کشورهایی نظیر ترکیه،ایران،پاکستان،مصر و اندونزی در جهت مدرنیزاسیون با بحران‏ها و شکاف‏های اقتصادی و اجتماعی توأم می‏شد. به طور خلاصه بحران هویت در زیر پوشش‏ فرهنگ مدرن کننده،رشد کرد.

به طور درونی،یک نیروی تفرقه‏انداز در اسلام وجود دارد که نشأت گرفته از صعود رهبران مسلمانی است که اقتدار سیاسی کشور را بر وظایف دینی‏شان ترجیح می‏دهند.از قرن‏ هفتم یعنی عصر مسیحیت که سلطنت با بنی‏امیه‏ و بنی‏عباس شروع می‏شد تا فروپاشی امپراتوری‏ عثمانی در پایان جنگ اول جهانی،کشورهای‏ اسلامی به آهستگی از مفاهیم بنیانی خود فاصله‏ گرفتند،قدرت مابین حکامی که قانون را تحت‏ صلاحیت قضایی خود وضع می‏کردند و«علما» یا دانشمندان مذهبی که فتواهایی را در چارچوب‏ شریعت ارائه می‏کردند،تقسیم شده بود. بنابراین دو خط ارتباطی در کشورهای اسلامی‏ ایجاد شد که اغلب در موقعیت متضاد و نیز به‏ طور تدریجی به سمت نزاع پیش می‏رفت. اوضاع به طرز مناسبی توسط یک ناظر قرن‏ یازدهم«ابو المعالی»مورد بررسی قرار گرفته، او می‏گوید:«ما از شاه در خصوص موضوعات‏ کشوری اطاعت می‏نماییم اما در خصوص مسایل‏ مذهبی شاه باید با ما مشورت کند».در همین‏ هنگام تناقضات میان دولت و مذهب نظام‏ خلافت به عنوان یک ارگان حاکمیت،اقتدار خود را به تدریج از دست می‏داد اگر چه هنوز به‏ تلاش‏هایش برای کسب مجدد تسلط بر ارتباطات‏ ادامه می‏داد،اما این تلاش‏ها منجر به اقدامات‏ سرکوبگرانه می‏شد.

ماهیت متغیر دولت اسلامی در طول این‏ دوره،منجر به بیگانگی و جدایی جامعه از دولت‏ گردید.در بسیاری از موارد و حوادث،جامعه‏ و رهبرانش حضوری فعال داشتند،اما دولت‏ نقشی نداشت.حاکمان بیش از هر چیز تحت‏ فشار شورش‏ها،درگیر و سازماندهی مجدد خود در برابر شورشیان‏اند.به طور خلاصه حکام‏ در حوزه حکومتی و جامعه تحت حکومت خود از نفوذ لازم برخوردار نخواهند بود و فقط نظرات‏ خود را با استفاده از زور به اطرافیان و نزدیکان‏ حکومتی خود تحمیل می‏کنند.جدایی میان‏ مفهوم«امت»و دولت خصوصیات بحران هویت‏ کنونی را تقریبا در همه کشورهای اسلامی تبیین‏ می‏کند.

\*صنعتی شدن،تغییرات‏ اجتماعی سریع،غیر دینی کردن‏ اندیشه و عرصهء زندگی و بیش از همه رسانه‏ها موجب سقوط اخلاق و باورهای سنتی گردید

\*در طول دو دهه آخر قرن‏ نوزدهم،دو سبک از مطبوعات در سطح جهان اسلام در حال رشد بوده است:مطبوعاتی که توسط نخبگان تربیت یافته و فارغ التحصیل از غرب،اداره‏ می‏شد که در پی اشاعه عقاید اروپایی سکولاریسم،لیبرالیسم‏ و ناسیونالیسم مدرن بوده‏اند و نیز مطبوعاتی که به وسیله‏ رهبران مذهبی و اصلاح گران‏ اسلامی مانند سید جمال الدین‏ (معروف به افغانی)اداره‏ می‏شده‏اند

برای مثال:زمانی که دولت از طریق کنترل‏ کانال‏های سنتی مانند مساجد و مدارس آموزش‏ سنتی(مذهبی)،جوامع تحت هدایت اساتید مذهبی«علما»،سعی در تمرکز نهادهای ارتباط جمعی می‏کرد کانال‏های ارتباطی دیگری که در مقابل روند کشور بودند،تأمین شدند.در قرن‏های هفدهم و هجدهم نظام‏های سیاسی در تعدادی از کشورهای خاورمیانه مانند ایران و مصر وضعیتی داشتند که در این جمله قابل‏ مشاهده است:«اگر علما را در دربار شاهان‏ یافتید بگویید علما و شاهان هر دو بدند،اگر شاهان را بر در خانهء علما دیدید بگویید علما و شاهان هر دو خوبند».(5)بنابراین تضاد میان‏ سلطهء اسلامی و قدرت غیر دینی دشمنی‏ها را بیش‏ از پیش در سرزمین‏های اسلامی افزایش داد.با تقبیح دولت،علما مجبور بودند به طور مستقل‏ عمل کنند که این شکل از تضاد،به بهترین وجهی‏ در انقلاب مشروطیت 1906 و انقلاب اسلامی‏ ایران در 1979 نشان داده شده است.مقاومت‏ علما در برابر دولت تنها ابزار آنها بود و لازمهء آن‏ جدایی میان رهبری اسلامی و رهبری غیر دینی‏ بود که این در نهایت به معنی کشیدن ماشهء انقلاب‏ بود.قدرت حاکمه و علماء همچنین به وسیلهء میزان رابطه‏شان با بازیگران خارجی متمایز می‏شدند.دولت‏ها تسلیم نفوذ کشورهای‏ خارجی و فرستادگان آنها شدند در حالی که علما علی رغم محدودیت‏ها چه در عمل و چه در حرف،در مقابل فشارهای خارجی مقاومت‏ کردند.خصوصیت پایداری علما برای آنها ارتباطی تنگاتنگ با جامعه را به ارمغان آورد که‏ این ارتباط از طریق کانال‏های ارتباطی سنتی‏ محقق می‏شد.در همین زمان نیز دولت با غفلت‏ از این کانال‏ها با استفاده از وسایل ارتباط جمعی‏ مدرن و رسانه‏های گروهی در صدد تأمین‏ مشروعیت خویش،جمع آوری مالیات‏ها یا استخدام سربازان بوده است.بنابراین،علما کانال ارتباطی واسطی میان مردم و دولت بودند که از جانب امت یا همان ملت عمل می‏کردند. به هر حال این نکته حائز اهمیت است که بیشترین‏ میزان وفاداری جامعه،به اسلام بوده است نه به‏ دولت.مسلمانی که هم از دولت و هم از امپریالیسم ناخشنود است،مدعی یک ساختار اسلامی خواهد بود نه ناسیونالیستی.

تماس‏های میان جهان اسلام و غرب در قرن‏های نوزدهم و بیستم،بسیاری از کشورهای‏ اسلامی را مجذوب نظام‏های سیاسی شبه‏ سکولار از سلطنتی موروثی تا جمهوری‏های‏ مدرن غربی یا مبتنی بر نظامی‏گری کرد.این‏ مسأله همچنین منجر به نزاع‏های مورد اشاره میان‏ سکولاریسم مدرن و سنت اسلامی«شریعت»که‏ تا قرن نوزدهم مبنای اصلی قوانین اقتصادی و اجتماعی جوامع مسلمانان بوده است،گردید. تماس بی واسطه میان اسلام و کشورهای صنعتی‏ و مدرن غربی همزمان با روند استعمار بخش‏های‏ اساسی آسیا و آفریقا،ارزش‏ها و معیارهای غربی‏ متعددی را به این جوامع(اسلامی)معرفی کرده‏ است.بنابراین،در آغاز قرن بیستم و با آشنایی‏ جوامع با ابزار مدرن ارتباطی،حمل و نقل و فن‏آوری‏های دیگر و نیز زمینه‏های مبادلات‏ بازرگانی و مدنی نیاز بارزی را برای تغییر روش‏های قدیم و ایجاد روش‏های جدید به اثبات‏ رساند.

رسانه‏ها و مدرنیته

بحران هویت به وسیله گسترش مفاهیم و سیاست‏هایی در دوران پس از جنگ جهانی بیش‏ از پیش تشدید شد.لازم به یادآوری است که با پیروزی مکتب رومانتیک و سکولاریسم در پی‏ انقلاب فرانسه،طبیعت‏گرایی بر دیدگاه‏های‏ جهانی غرب استیلا یافت.در دیدگاه اسلامی، از میان چارچوب‏های طبیعی و تفوق‏جویانه، دومی بر دیگری تفوق دارد.بخش عظیمی از قوانین اسلامی با مقولهء نظم اجتماعی مرتبطند و امروزه مسأله،مسأله مدرنیزاسیون نیست،بلکه‏ موضوع«تبدیل»است که مسلمانان را در برگرفته‏ است.مهمترین تفاوت میان تبدیل و مدرنیزاسیون آن است که تبدیل خارج از بعد زمان‏ است(البته از آنجا که زمان یکی از مقولات‏ ادراک است)و مدرنیزاسیون در داخل بعد زمان‏ قرار دارد.تحت لوای شعارهای مدرنیزاسیون، توسعه اقتصادی و پیشرفت تکنولوژیک، کشورهای اسلامی از حق خود برای داشتن یک‏ تمدن و فرهنگ متمایز و منحصر به فرد محروم‏ شدند.به دلیل سهولت در اصطلاح‏شناسی فنی‏ و سلسله مراتب سیاسی جهان،آنها یعنی‏ مجموعه کشورهای اسلامی و کشورهای کمتر توسعه یافته با یکدیگر تحت عنوان مبهم جهان‏ سوم قرار گرفته‏اند.همچنانکه مطالعات متعدد نشان داده‏اند در طول چند دههء گذشته،روند مدرنیزاسیون مانند یک جادهء یک طرف از سوی‏ غرب بوده است،به سرعت حتی انشعاب دو بخشی مغرب در برابر مشرق کنار گذاشته شد و به دلیل انتشار مدرنیزاسیون در سطح جهان که‏ موجد جهانی جدید تحت عنوان جهانی شدن‏ ( noitazilabolG )است،شرق و غرب دیگر بی‏معناست.

ثبات سیاسی به عنوان یک پیش شرط برای‏ توسعهء اقتصادی،نه تنها دلیل برای بر سر کار نگاه داشتن حکومت‏های سرکوبگر بود،بلکه‏ نظام‏های اقتصادی و سیاسی متفرق در جهان حق‏ دستیابی به منابع طبیعی در سرزمین‏های اسلامی‏ را به همین دلیل مدعی گشته‏اند.در واقع آن‏ بنیان‏های اقتصادی و نه سیاسی کشورهایی نظیر ایران،اندونزی و عربستان سعودی بوده است‏ که برای منافع کشورهای صنعتی اهمیت اساسی‏ داشته است.

«هویت»،به عنوان یک مفهوم اجتماعی- روان‏شناسانه،اشاره دارد که انسان‏ها چگونه‏ خود را در محیط و در رابطه با دیگران درک‏ می‏کنند.این موضوع مبتنی بر برداشت‏های‏ فرهنگی مشترکی است که به لحاظ تاریخی ریشه‏ در جامعه مربوط دارد.در نوشته‏ها و ادبیات‏ معاصر غرب در خصوص مسایل اجتماعی و سیاسی مفاهیم هویت و اضطراب غالبا به عنوان‏ دو روی یک سکه دیده می‏شود.پدید آمدن یک‏ انسان از خودبیگانه موضوعی است که در پس‏ مدرنیته نهفته است و موضوع مکالمات فکری و مباحث مربوط به بیماری موجب تنش‏های‏ اجتماعی شده است.

به طور خلاصه،صنعتی شدن،تغییرات‏ اجتماعی سریع،غیر دینی کردن اندیشه و عرصهء زندگی و بیش از همه رسانه‏ها موجب سقوط اخلاق و باورهای سنتی گردید،اما همچنین‏ موجب مختل شدن بنیان‏های جامعهء سیاسی‏ مانند دولت-ملت مدرن شده و مکانیسم‏های‏ انسجام و قدرت را در جامعه فلج کرده است. امروزه بازگشت به دین در بسیاری از جوامع‏ غربی یک تلاش واقع گرایانه و عظیم برای ایجاد آرامش،سلامت ذهنی و اخلاقی در حال انجام‏ است،یا به زبان فروید تلاشی از جانب اگو(من) برای جبران فقدان سوپراگو انجام می‏پذیرد. مسأله هویت را همچنین می‏توان در مراحل‏ سیاسی کردن گروه‏های جنسی مردان یا زنان یا دیگر گروه‏های بیولوژیکی و اجتماعی مشاهده‏ کرد.

زمانی که رسانه‏های الکترونیکی و مطبوعاتی‏ در جهان اسلام به تمرکز قدرت در خدمت‏ نخبگان سیاسی و اقتصادی و نیز تمرکز وضعیت‏ کنونی کشور به معنی نوین کمک می‏کنند،شرایط اخلاقی در ارتباطات مورد نظر در دستان‏ گروه‏های مذهبی و سنتی که اغلب سعی در توزیع‏ و جلوگیری از تمرکز قدرت کشور کرده و نیز به‏ ایجاد یک عامل بر هم زننده توازن قدرت اهتمام‏ داشته‏اند،باقیمانده است.جنبش‏های انقلابی‏ و تلاش برای تجدید حیات اسلامی در قرن بیستم‏ توسط رهبران سنتی مانند علما در کشورهای‏ اسلامی نمونه‏هایی از استفاده بالقوه از رسانه‏های‏ اخلاقی مانند مساجد است.

به هر جهت،یکی از جذاب‏ترین پدیده‏های‏ معاصر در جهان اسلام،همگرایی فن آوری‏های‏ ارتباطی مدرن با رسانه‏های ارتباطی سنتی بوده‏ است که در مشروعیت بخشیدن به مراکز قدرت‏ و سرعت بخشیدن به روند تغییرات اجتماعی و سیاسی مؤثر بوده است.در انقلاب اسلامی‏ ایران در سال‏های 1978-1989 آیت الله‏ روح الله خمینی و پیروانش از وسایل ارتباط جمعی مدرن مانند تلفن و نوارهای صوتی در کنار کانال‏های ارتباطی سنتی برای انتشار پیام‏هایشان‏ در سطح کشور بهره جستند.در چنین کشورهایی‏ مانند اندونزی،مالزی،پاکستان و مصر، استفاده گسترده‏ای از کامپیوتر و دورنگار برای‏ انتشار عقاید صورت گرفت.اطلاعات درباره‏ اسلام برای افراد غیر روحانی و نامطلع از اسلام‏ بر اساس پایگاه‏های اطلاعاتی قرآن و حدیث در دسترس بیشتری قرار گرفت.

در دهه‏های پایانی قرن بیستم سه حادثه مهم‏ عمیق‏ترین تأثیر را بر متن و محتوای اطلاعاتی‏ در جهان اسلام گذاشته است:

1-انقلاب اسلامی در ایران و جنبش‏های‏ سیاسی متعاقب آن در کشورهای اسلامی که زمینه‏ را برای اسلامی کردن رسانه‏ها و ایجاد چرخهء حیاتی ارتباطات در مناطقی از جهان فراهم‏ ساخت.

2-فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شرایط فوق العاده جمهوری‏های تازه استقلال یافته در مناطق اسلامی،مانند آسیای مرکزی که به‏ گسترش بالقوه شبکه ارتباطات اسلامی وسیع‏تر کمک کرد.

3-رشد ارتباطات از راه دور در سطح ملی‏ و بین المللی از طریق ماهواره و تأثیرات احتمالی‏ آن بر همگرایی مناطق اسلامی و اثر آن بر توسعه‏ سیاسی و اقتصادی.بنابراین جهان اسلام‏ رسانه‏های ارتباطی خود را با آگاهی جدید از تغییرات جهانی و با درکی عمیق از تاریخ و هویت‏ اسلامی گسترش داده است.با مثال‏های زیر می‏توان تصویری از رسانه‏های جدید و تأثیر آن‏ بر هویت مسلمانان نشان داد.

اسلامی کردن تلویزیون در ایران

اسلامی کردن رسانه‏های گروهی در ایران هم‏ در محتوای برنامه‏ها و هم در اجرا،از زمان‏ انقلاب اسلامی در 1979-1978 مورد اعمال‏ واقع شد و تأثیر کامل آن بر جامعه و کشور اخیرا قابل تشخیص شده است.این مسأله بیش از همه‏ جا در نهادینه کردن سیستم پخش به ویژه در تلویزیون در چارچوب تعیین شده در جمهوری‏ اسلامی ایران مشاهده می‏شود.

تلویزیون به عنوان یک وسیله ارتباطی فراگیر و نه فقط به دلیل بینندگان روز افزون و شبکه‏ سازمانی آن،بلکه به دلیل عواملی فرهنگی که به‏ آن مشروعیت می‏دهند به طور جدی وارد جامعه‏ ایران شده است.تلویزیون ایران مشروعیتش را از آن جهت که صدا و سیمای جمهوری اسلامی‏ ایران است به دست می‏آورد که طبعا متکی بر منابع سنتی و اقتدار سیاسی-مذهبی در جامعه‏ است و به عنوان یک ابزار خدمات عمومی خود را قبولانده است ]مورد قبول عموم واقع شده‏ است‏[ .در یک جامعه اسلامی و کشوری با گوناگونی‏های زیاد مانند ایران که مشروعیت‏ سیاسی و اجتماعی به لحاظ تاریخی تحت تأثیر مذهب و عوامل نژادی،فرهنگی و زبانی قرار داشته تلویزیون سعی می‏کند موضوعات ارتباطی‏

\*اسلامی کردن رسانه‏های‏ گروهی در ایران هم در محتوای‏ برنامه‏ها و هم در اجرا،از زمان‏ انقلاب اسلامی در 1979-1978 مورد اعمال واقع شد.

مکتوب و شفاهی بومی را در یک چارچوب‏ منسجم ترکیب و ارائه دهد.به طور خلاصه، عمومیت تلویزیون بستگی به تبعیتش از فرهنگ‏ و سنت ایرانی دارد.در واقع یکی از مشکلات‏ بزرگی که تلویزیون ایران پیش از انقلاب با آن رو به‏رو بود،جدایی از فرهنگ اصیل و سنت ایرانی‏ و اتکای بیش از حدش به حمایت خاندان‏ سلطنتی،سکولاریسم و وابستگی‏اش به‏ برنامه‏های وارداتی از خارج بود.به طور خلاصه‏ رهیافت‏ها و ویژگی‏های تلویزیون ایران در این‏ موارد خلاصه می‏شود:

1-اسلامی کردن رسانه.

2-متجانس کردن تلویزیون با کانال‏های‏ ارتباطی سنتی موجود.

3-ایجاد یک نظام پخش عمومی بر اساس‏ ساختار دولتی-جامعه.

4-دخالت دادن اصول اخلاق اسلامی در این نهاد.

5-اتکا به خود در دوران احیای جهانی شدن‏ ( noitazilabolG ).

اهمیت تلویزیون به عنوان یک ابزار برای‏ تبلیغات اسلامی و مبادلهء فرهنگی کاملا آشکار است و در قانون اساسی جمهوری اسلامی‏ ایران،آمده است.با اعلان این که آزادی تبلیغات‏ در رسانه‏های گروهی،رادیو و تلویزیون‏ بر اساس اصول اسلامی تضمین می‏شود قانون‏ اساسی سال 1979 تلویزیون را در هیچ‏ وزارتخانه‏ای جای نداده و آن را تحت نظارت‏ قوای سه گانه قضائیه،مقننه و مجریه قرار می‏دهد.بر اساس قانون اساسی تجدید نظر شده‏ که حدود یک دهه قبل انجام گرفته است،رادیو و تلویزیون تحت نظارت شورایی متشکل از دو عضو از هر قوه و مدیر عاملی به تعیین رهبر انقلاب قرار دارد.بر اساس قانون اساسی، رهبری یا ولایت فقیه،بالاترین مقام سیاسی و معنوی کشور و انقلاب است.مواد خاصی از قانون اساسی نه تنها بر نقش اساسی تلویزیون در جامعه تأکید می‏کند بلکه توجه خاصی را به پخش‏ عمومی برنامه از طریق این سازمان و پوشش‏ قانونمند آن معطوف می‏سازد.وسایل دیگر ارتباط جمعی از قبیل روزنامه،رادیو و سینما قانونمند می‏شوند و در موارد نیاز از طریق وزارت‏ فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز دریافت می‏کنند.

مفهوم پخش عمومی برنامه‏ها در ایران متمایز است،بدین معنی که در ایران،میان مذهب و دولت و مفهوم جامعه مدنی تحت مفاهیم‏ اسلامی جدایی وجود ندارد و حقوق و مفاهیم‏ اسلامی تمایز میان دولت و عموم مردم را آنچنانکه در فرهنگ سکولار غرب وجود دارد، نمی‏پذیرد.

انتشار اخبار،اطلاعات و انتشار اسناد، متناسب با چارچوب جامعه اسلامی انجام‏ می‏پذیرد.تبلیغات بازرگانی عمومی است،اما بر اساس قوانین و مقررات خاص خود و چارچوب زمانی ویژه‏ای با توجه به جلوگیری از انقطاع برنامه‏ها انجام می‏گیرد.تأکید بر تفریحات و اطلاع رسانی بر اساس وظایف‏ اجتماعی و نه بر اساس اهداف تجاری گذاشته‏ شده است.برنامه‏های جدی آموزشی و امور روزمره بخش وسیعی از زمان پخش برنامه‏های‏ تلویزیون را پر کرده است.سریال‏های تاریخی‏ ساخت داخل نیز بینندگان بسیاری دارد. تلویزیون در پخش برنامه‏های ساخت خارج در مقایسه با دیگر کشورهای خاورمیانه از پایین‏ترین میزان برخوردار است که این امر نیز خود نه تنها نیازمند دقت بالایی در انتخاب محصولات‏ بین المللی است،بلکه مسئولیت سنگین را برای‏ تولید برنامه‏های داخلی ایجاد می‏کند. برنامه‏های داخلی از افزایش بالایی برخوردار بوده.بنابراین کاهش قابل ملاحظه‏ای در وابستگی به برنامه‏های خارجی ایجاد گردیده‏ است.در سال 1991,85 درصد برنامه‏های‏ تلویزیون در داخل ساخته می‏شد قبل از انقلاب‏ در مقابل هر برنامه ساخت داخل سه برنامه‏ وارداتی پخش می‏شد.برنامه‏های مخصوص‏ کودکان و نوجوانان هم اکنون 4/16 درصد برنامه‏های داخلی تلویزیون را به خود اختصاص‏ می‏دهد و برنامه‏های اجتماعی و فرهنگی 9/14 درصد و برنامه‏های خبری 4/14 درصد برنامه‏ها را تشکیل می‏دهد.

برنامه‏سازی و تولید برنامه برای تلویزیون در انطباق با چارچوب‏های اخلاق اسلامی انجام‏ می‏شود.برای مثال نمایشنامه‏های رمانتیک‏ پخش می‏شود،اما سناریوهای جنسی و خشونت‏ آمیز فیزیکی وجود ندارد.برنامه‏های خشن و پرخاشگرانه که معمولا در فیلم‏ها،درام‏ها (نمایش‏ها)و تبلیغات کالاهای غربی دیده‏ می‏شود،قابل پخش نیستند.تمامی برنامه‏های‏ وارداتی به دقت مورد بازبینی قرار گرفته و انطباق‏ آنها با اخلاق اجتماعی اسلامی سنجیده می‏شود.

بی شباهت با ایالات متحده و بسیاری از کشورهای صنعتی،جایی که تماشای تلویزیون‏ یک تفریح فردی و فعالیت اجتماعی محسوب‏ می‏شود،در ایران تماشای تلویزیون در جمع، یک موضوع عادی است.این موضوع بیشتر مسئله‏ای مبتنی بر بنیان‏های فرهنگی و اجتماعی‏ است تا اقتصادی و فقدان دسترسی به رادیو یا تلویزیون.خانواده‏های گسترده حتی فراتر از خویشاوندان درجه یک و روابط آنها در رفت و آمدهایشان که نقشی اساسی در ارتباطات‏ اجتماعی آنها بازی می‏کند تماشای تلویزیون را در ایران فعالیتی گروهی کرده است.

ایران پس از وقوع انقلاب اسلامی در مقابل‏ نفوذ برنامه‏های غرب ایستادگی کرده است و در پی استقلال از طریق سیاست توسعه برنامه‏های‏ محلی به وسیله ارتباطات،گسترده بوده است. نتیجه این مسأله میزان قابل قبولی بوده است که‏ در آن صنعت تلویزیون ایران تولید کننده توانای‏ برنامه‏های تلویزیونی بوده و همچنین بنیان‏های‏ محلی خود را نیز تقویت کرده است.تلویزیون‏ در ایران نمایانگر مشکل ارتباطی جالبی در بسیاری از کشورهای اسلامی است:چگونه‏ فرهنگ سنتی می‏تواند با رسانه‏های الکترونیک‏ مانند تلویزیون درآمیزد؟و چگونه تلویزیون‏ می‏تواند در جهت چارچوب‏ها و سبک و سیاق‏ \*جنبش‏های انقلابی و تلاش‏ برای تجدید حیات اسلامی در قرن بیستم توسط رهبران سنتی‏ مانند علما در کشورهای اسلامی‏ نمونه‏هایی از استفاده بالقوه از رسانه‏های اخلاقی مانند مساجد است.

\*یکی از جذاب‏ترین پدیده‏های‏ معاصر در جهان اسلام،همگرایی‏ فن‏آوری‏های ارتباطی مدرن با رسانه‏های ارتباطی سنتی بوده‏ است که در مشروعیت بخشیدن‏ به مراکز قدرت و سرعت بخشیدن‏ به روند تغییرات اجتماعی و سیاسی مؤثر بوده است.

تاریخ آن کشور به خدمت گرفته شود؟

سیاست‏های آشکار و پنهان در خصوص‏ تلویزیون در ایران،نشانگر میزان اهمیتی است‏ که این رسانه با در نظر گرفتن قدرت آن در امور ملی و بین المللی در ذهن رهبران جامعه دارد. این سیاست‏ها مبتنی بر این برداشت هستند که‏ مراحل انتخاب انفرادی و قدرت بیننده در آن تا حد بسیار زیادی وابسته به کیفیت آموزش عمومی‏ مرتبط با رسانه‏هاست.در واقع نقش تلویزیون‏ در جامعه ایران پس از انقلاب،منشأ مباحثات‏ مهمی در میان مردم،بوده است.این یعنی‏ دخالت مستقیم مردم در گفتمان در حال انجام‏ در رسانه‏ها،در این خصوص که پیش شرط تحقق نوع جامعه‏ای است که آنها مایلند داشته‏ باشند.

تشخیص و شناسایی ارتباطات اجتماعی در یک مجموعه اسلامی و بازسازی و تغییر فضای‏ عمومی سیاسی و فرهنگی در ایران در ارتباط ویژه‏اش با تلویزیون بر اساس دو اصل یا دو مفهوم‏ صورت می‏پذیرد.در وهله اول اصل هدایت به‏ سوی مرزهای اخلاقی ارتباطات عمومی و اجتماعی در اسلام که دکترین امر به معروف و نهی از منکرند،نهفته است،در این اصل مفهوم‏ مسوولیت فردی و گروهی برای آماده‏سازی‏ نسل‏های آینده جهت پذیرش مفاهیم اسلامی و استفاده از آنهاست.مسلمانان مسئولیت ارشاد یکدیگر را بر عهده دارند و نیز هر نسل مسوولیت‏ هدایت نسل دیگر را بر عهده دارد.قرآن‏ مسوولیت مسلمانان را در ارشاد و هدایت یکدیگر مورد اشاره قرار می‏دهد.به ویژه آن افراد و نهادهایی که مسوولیت رهبری و تبلیغات‏ آرمان‏های اسلامی را بر عهده دارند.این موضوع‏ شامل تمامی سازمان‏ها و نهادهای ارتباط جمعی‏ از قبیل مطبوعات،رادیو و تلویزیون و نیز شهروندان در هر جامعه می‏شود.بنابراین، مفهوم خاصی از تئوری مسوولیت اجتماعی حول‏ محور دکترین اخلاقی امر به معروف و نهی از منکر طراحی شده است.

مفهوم بنیانی ثانوی که نسبت مستقیمی را با مفهوم فضای عمومی که به طور خاص ممکن‏ است با زندگی سیاسی افراد و جامعه اسلامی‏ مرتبط باشد،امت یا جامعه است،مفهوم امت، فراسوی مرزهای ملی و سیاسی است.جامعه‏ مسلمان فراتر از عقیده و تصور نظام پیشرفته‏ ملت-دولت است و یک مفهوم اقتصادی مذهبی‏ است که تنها با اسلام،پرورش می‏یابد و اداره‏ می‏گردد.

مفهوم جامعه در اسلام،تمایز بارزی را میان‏ مفاهیم عمومی و خصوصی نمی‏گذارد:آنچه در خصوص جامعه ضرورت بیشتری دارد، ضرورت موجود برای آحاد عضو جامعه است. ارتباطات بین فرهنگی و بین المللی(در اینجا تأکید بر ملیت است نه دولت-ملت)از اجزای‏ ضروری خصوصیات یک امت اسلامی است. بر هر شهروند کشور اسلامی لازم است که در باره موضوعات عمومی و مسایل عملی که باید صورت پذیرد نظر مشورتی خود را به بهترین وجه‏ ارائه کند.بدین ترتیب این دو مفهوم در طول‏ سال‏های گذشته به تدریج اصول راهنمای‏ محتوای برنامه‏های تلویزیون بوده‏اند و به وسیله‏ دولت و رهبران جامعه بسیار مورد تأکید قرار گرفته است.امروزه در جامعه اسلامی ایران، سیستم‏های پیشرفته ارتباطی و رسانه‏ای تا حدود زیادی با سیستم‏های سنتی و کلاسیک ارتباط اجتماعی،همگرا شده‏اند.نتیجه این روند آن‏ بوده است که میزان بالایی از بسیج و سازماندهی‏ اجتماعی جهت مشارکت عمومی در امور سیاسی،فرهنگی،اقتصادی و نظامی به وجود آمده که بی‏نهایت مؤثر نیز هست.

پخش تلاوت قرآن به وسیله بلندگو،رادیو و تلویزیون در کنار توزیع نوارهای قرآن و فعالیت‏های عمومی در این زمینه،ابعاد جدیدی‏ را از ارتباطات در ایران به وجود آورده است.به‏ علاوه از طریق ترکیب کانال‏های سنتی و تلویزیون،و رهبران جامعه و گروه‏های متعدد دیگر توانایی اظهار عقاید خود را برای عموم‏ یافته‏اند.به طور خلاصه،تلویزیون ایران به طور کلی در خدمت نشر فرهنگ اسلامی است که در پی مشروعیت کشور است و از نشر فرهنگ و رویه ضد اسلامی خودداری می‏ورزد.

در ایران به طور سنتی،رسانه‏های‏ الکترونیک و انتشاراتی در تمرکز قدرت در دست‏ نخبگان سیاسی و اقتصادی و نیز وحدت بخشیدن‏ به ابزارهای نوین کشور مساعدت کرده‏اند.از سوی دیگر انواع شفاهی ارتباطات که به میزان‏ زیادی در دست گروه‏های مذهبی و سیاسی مانده‏ بود سعی در توزیع و عدم تمرکز قدرت در سطح‏ کشور داشت و تلاش می‏کرد تا حوزه قدرت‏ متوازنی ایجاد کند.یکی از جالب‏ترین پدیده‏های‏ پس از انقلاب در ایران،همگرایی فن آوری‏های‏ ارتباطی و رسانه‏های سنتی بوده است.روندی‏ که به مشروعیت قدرت مرکزی و تسریع تغییرات‏ سیاسی و اجتماعی کمک کرده است.

قبل از انقلاب،ورود تجارت به حوزه‏ عمومی کشور،فقط نشانگر یک روی سکه بود. روی دیگر آن جذب کردن بخش وسیعی از فرهنگ عمومی توسط دولت و سوق دادن آن به‏ سوی فضایی که دولت،خود آن را ایجاد کرده‏ بود.سبکی از برنامه‏های تلویزیونی مورد نظر در ایران در طول دو دهه گذشته سعی کرده است‏ تا از طریق آنچه دورنمای تلویزیونی جامعه که‏ دربرگیرنده منافع جامعه و امت یعنی گروه‏ اجتماعی بزرگتر و متنوع‏تری از بینندگان باشد، بر این معضل فایق آید.

به اختصار باید گفت،توسعه تلویزیون در ایران به وسیله سه عامل وقوع انقلاب اسلامی، هویت سیاسی-مذهبی و فرهنگی و گسترش‏ فن‏آوری‏های ارتباطاتی به عنوان ابزارهای بسیج‏ سیاسی و اجتماعی انجام پذیرفته است.توسعه‏ تلویزیون بعد جدیدی به ابزارهای سنتی ارتباط جمعی در ایران بخشیده است.همچنانکه گفته‏ شد،از خصوصیات مهم تلوزیون در ایران آن‏ است که تلویزیون در حال متجانس شدن با سیستم پیچیده گسترده کانال‏های ارتباطی سنتی‏ و شفاهی است.تلویزیون در ایران در حالی که‏ \*تلویزیون به عنوان یک وسیله‏ ارتباطی فراگیر و نه فقط به دلیل‏ بینندگان روز افزون و شبکه‏ سازمانی آن،بلکه به دلیل عواملی‏ فرهنگی که به آن مشروعیت‏ می‏دهند به طور جدی وارد جامعهء ایران شده است.

به عنوان یک ابزار اجتماعی،سیاسی و اقتصادی‏ خدمت می‏کند،به قدرت و نفوذ در کانال‏های‏ ارتباطی دست می‏یابد.توسعه سیاسی،شامل‏ احیای هویت اسلامی تأثیر قابل ملاحظه‏ای بر ابعاد منطقه‏ای و بین المللی پخش تلویزیون ایران‏ داشته است.

توسعه تلویزیون ایران در این خصوص نه تنها در غلبه بر مشکلات تکنیکی،سازمانی و تولید برنامه،بلکه در ایفای مسوولیتش برای انجام‏ عملیات در چارچوب اخلاق اسلامی منحصر به‏ فرد بوده است.با رد نگاه تجاری به تلویزیون و نظام کنترل شدید دولتی بر آن،تلویزیون ایران‏ در تلاش برای رسیدن به یک دورنمای جدید از تلویزیون بر مبنای دولت-جامعه است.مفهوم‏ پخش عمومی برنامه‏های آن بر مبنای اصل‏ اسلامی خدمات با تأکید بسیار بر بسیج عمومی، همگرایی اجتماعی و هویت اسلامی است.

هویت اسلامی و رسانه‏های بین المللی

با عنایت به مسأله هویت مسلمانان و رسانه‏های جهانی به وسیله بررسی‏های متعدد نشان داده شد که تا انقلاب اسلامی ایران در 1979-1978 رسانه‏های بین المللی به جهان‏ اسلام یا موضوعات مرتبط با جهان اسلام یا توجهی نمی‏کردند یا آن که توجه اندکی نشان‏ می‏دادند.بالعکس،در کشورهای اسلامی‏ خاورمیانه و دیگر مناطق مانند حوزه آسیا،این‏ پوشش بر نهادهای سیاسی،ملی و رهبران‏ غیر مذهبی آن زمان متمرکز شده بود.به طور مثال:مسأله اعراب و اسرائیل مانند ناسیونالیسم‏ ایران و رویارویی آن با غرب،همواره اخبار این‏ مناطق را تحت پوشش داشت که ناظران آمریکایی‏ در این خصوص برچسب بنیادگرایی را از تاریخ‏ مسیحیت وام گرفته و تجدید حیات بنیاد گرایی‏ اسلامی در ایران و مناطق دیگر را ادعا کردند.

نمونه کلاسیک دیگر برای رساندن این‏ مفهوم،پوشش خبری در ایران در دهه پیش از سقوط شاه است.تقریبا تمام رسانه‏های طراز اول کشور،خوانندگان و بینندگان و شنوندگانشان را گمراه می‏کردند.آنها شاه را به‏ عنوان سلطانی خواهان و در پی مدرنیته و دیکتاتوری خیرخواه که قدرتش در داخل و دوستی‏اش با غرب مستحکم است،معرفی‏ می‏کردند.تنها در دوران انقلاب اسلامی، تحلیل‏هایی مبنی بر ورشکستگی رژیم شاه و اذعان به تأثیر گسترده اسلام و آیت الله خمینی‏ در سطح رسانه‏ها ظاهر شد.در واقع تا زمان‏ حمله رژیم اشغالگر قدس به لبنان و مقاومت‏ جنبش‏های شیعی لبنان،تحلیل اندکی از محتوای اسلام شیعی وجود داشت.حتی در آن‏ زمان نیز پوشش رسانه‏ای آن تحت عناوین‏ تروریسم و تعصب مذهبی صورت می‏گرفت.

پس از گذشت دو دهه از احیای اسلام در جهان،هویت مسلمانان تحت پوشش رسانه، دو موضوع اساسی بوده است؛یکی بنیادگرایی‏ و خشونت و دیگری نشان دادن مسلمانان به عنوان‏ گروه نژادی.بحران بوسنی نمایانگر موضوع دوم‏ است.در نظام بی پایانی که دولت-ملت نقطه‏ آغاز هر گونه گفتمان است،رهبران صرب از آغاز تراژدی بوسنی،استراتژی عملیاتی خود را در رسانه‏ها بکار گرفته و از واژگان مورد استفاده‏ رسانه‏های مسلط جهان و نخبگان سیاسی جهان‏ به نفع خود بهره جستند.واژگان عمده‏ زبان شناسی-روانی که متأسفانه در طول بحران مورد تقلید و تکرار قرار گرفت آن بود که نزاع‏ بالکان را میان«صرب‏های بوسنی»و«مسلمانان‏ بوسنی»نشان دهند.باید توجه داشت که در این‏ رویارویی،شهروندان یا مسلمانان بوسنیایی با تأکید بر وابستگی مذهبی‏شان معرفی شده‏اند. در حالی که ساکنان غیر مسلمان بوسنی به وسیله‏ ملیت‏شان و تحت عنوان صرب‏های بوسنیایی‏ معرفی شده‏اند نه با مذهب‏شان که مسیحیت یا ارتدوکس بوده است.به طور خلاصه،به جای‏ تقسیم‏بندی بوسنیایی‏های مسیحی یا ارتدوکس‏ در مقابل بوسنیایی‏های مسلمان،رسانه‏های‏ بین المللی دسته اول را صرب‏ها نامیدند.با توجه‏ به این که رسانه‏های بین المللی برای مسلمانان، اسلام را بنیان یک هویت نژادی،بر خلاف اساس‏ صدر اسلام،معرفی کرده‏اند.برای صرب‏های‏ مسیحی،ملیت و موقعیت جغرافیایی آنان را مورد توجه قرار می‏دهند.درباره معرفی‏ مسلمانان بوسنی به عنوان اروپایی نیز باید پرسید آیا مسلمانان بوسنی نیز اروپایی‏اند یا فقط بقایای‏ امپراتوری عثمانی در اروپا هستند که اکنون به‏ یکباره خواهان یک کشور و دولت مستقل‏ شده‏اند؟با این گونه برچسب‏ها حدود دویست‏ هزار مسلمان اسپانیایی در طول دوران تفتیش‏ عقاید علیه نفوذ اسلام در اروپای غربی مورد شکنجه و کشتار قرار گرفتند.در بحران جاری‏ در کوزوو به دلایل متعددی که هنوز به طور کامل‏ آشکار نشده‏اند،رسانه‏های بین المللی همان‏ برخورد قدیمی یعنی استفاده از هویت نژادی را به موقع اجرا گذاشتند.این بار،اکثریت مردم‏ کوزوو که مسلمان هستند به سادگی به عنوان‏ آلبانیایی تباران مقیم کوزوو خوانده شده و بدین‏ ترتیب هویت اسلامی آنان مورد غفلت واقع شده‏ است.

از آغاز انقلاب اسلامی تا وقوع جنگ‏ خلیج فارس و از زمان اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی سابق تا پاکسازی نژادی در بالکان،تحقیقات و بررسی‏های متعدد نشان‏ داده‏اند که رسانه‏های عمده جهان حتی بیش از سهم‏شان به ایجاد وضعیت سر در گم افکار عمومی در خصوص هویت مسلمانان در غرب‏ کمک کرده‏اند که این کار از طریق تبلیغات و انتشارات کینه توزانه علیه جنبش‏های اسلامی‏ صورت گرفته است.در جهان اسلام،فروپاشی‏ کمونیسم با بحران‏های اجتماعی و رکود اقتصادی و سیاسی کنونی آنهاست مجددا مورد تأیید قرار داد.در غرب،تجدید حیات هویت‏ اسلامی به وسیله بسیاری از نویسندگان و تحلیل گران رسانه‏ها مورد غفلت قرار گرفته‏ است و این،به دلیل تاکیدی است که آنها بر تحلیل نهادهای سیاسی صوری مانند دولت، احزاب سیاسی نهادهای اداری و ساختارهای‏

دولتی نوین می‏گذارند،زیرا جنبش‏های اسلامی‏ مانعی بزرگ و نیرویی مقاوم در برابر نظام سیاسی‏ بین المللی موجودند.

اسلام و اینترنت

تأثیر فن‏آوری‏های نوین ارتباطی بر درک از اسلام حائز اهمیت است.در طول سالهای‏ اخیر،فرصت‏های جدید کسب آگاهی درباره‏ اسلام و مسلمانان از طریق فن‏آوری رایانه‏ای‏ شامل ایستگاه‏های اینترنت،گروه‏های جدید و گروه‏های مباحثه و خدمات مربوطه پدید آمده‏ است.اینترنت،راه جدیدی برای کسب‏ اطلاعات درباره اسلام است که توسط کاربران‏ ]مشترکان‏[ متعدد از اساتید تا مراجعه کنندگان‏ موردی،مورد استفاده قرار می‏گیرد.بسیاری از مردم(اعم از مسلمان و غیر مسلمان)امروزه از اینترنت به عنوان منبع اولیه اطلاعات استفاده‏ می‏کنند که رهیافت‏شان از اسلام و مسلمانان را تحت نفوذ و تأثیر قرار می‏دهد.اینترنت با توجه‏ به تنوع موضوعات و دورنمای در دسترس آن، دارای کاربرهای جدی است.

روندی که به وسیله آن موضوعات مرتبط با اسلام از فیلتر می‏گذرند و ارائه می‏شوند برای‏ بسیاری از افراد خواهد بود.از جمله این افراد گسترش دهندگان درکی خاص از اسلام یا کسانی‏ که به دنبال یک هدف،به مشتریان تحصیلکرده‏ جوان اطلاع‏رسانی می‏کنند و افراد دانشگاهی که‏ در پی انعکاس توسعه‏های اسلامی معاصرند. در میان مطالعات اسلامی در فضای پردازش‏ الکترونیکی اطلاعات،خطر اضمحلال توسط این ایستگاه‏ها وجود دارد.روزنامه‏های آن‏لاین‏ ( no NEAL )با محتوای مرتبط با اسلام، توهمات ایجاد شده توسط رسانه‏های ارتباطی از راه دور و سیستم‏های پستی را خنثی می‏کنند. طیف ادراکات اسلامی از:اصل دعوت سنیان و ایستگاه‏های اسلامی مرتبط با دولت‏ها تا حوزه‏ ایستگاه‏های صوفی‏گری و شیعه وجود دارد. کاربران اینترنت باید در خصوص تسلط دیدگاه‏های مذهبی سیاسی خاص که در پی‏ معرفی خود به عنوان صدای معتبر اسلام از طریق‏ اینترنت هستند،مراقب باشند.

مؤسسات دانشگاهی با جاذبه‏های مرتبط با اسلام و مسلمانان ایستگاه‏هایی را تاسیس کرده‏اند که علاوه بر پیشبرد رشته‏های درسی‏ مورد نظر،امکان دستیابی به موضوعات مربوط به مطالعات اسلامی را از طریق اینترنت فراهم‏ می‏سازد.برای مثال در یک جست و جوی‏ اتفاقی،لیستی از هزاران شاخه ارتباطی بالقوه را در خصوص موضوعات اسلام و چین ایجاد می‏کند.در صدر لیست موضوعات مرتبط با چنین به روش هیویی وجود دارد که به وسیله، مرکز تحقیقات تبلیغ مسیحیت جهان مسیحیت، تهیه شده است.در میان آنها اطلاعات مفصلی‏ با قوم نگاری ارائه می‏شود که این جمله در آن دیده‏ می‏شود:

«روح اسلام را نفرین کن که روش هیویی را بر نسل‏های متعددی تحمیل کرده است...از روح القدس بخواه که قلب‏های مسلمانان را طوری نرم کند که انجیل مقدس را بپذیرند.»

این ایستگاه می‏گوید که دولت چین از اسلام‏ استقبال می‏کند و این موضوعی است که هیویی‏ در 1997 با آن به شدت مخالفت کرد.ایستگاه‏ مبلغان مسیحیت،یک معرفی از اسلام را ارائه‏ می‏دهد و سپس بر اساس جزئیات به دست آمده‏ از میسیون‏های مسیحی در جهان اسلام‏ نتیجه‏گیری خود را ارائه می‏دهد.

سؤالات پیچیده‏ای درباره واقعیت و نیز مکان شناسی پدید می‏آید که می‏پرسد آیا صفحه‏ اینترنت مورد نظر برای مثال از یک دیدگاه‏ آکادمیک شرق شناسانه نوین ایجاد شده یا از یک‏ منبع مبلغ مسیحیت یا یک منبع اسلامی به‏ اصطلاح تفرقه اندازانه.گروه‏های مسلمان در ایالات متحده صفحات متعددی از اینترنت را برای چند سال فراهم ساختند که می‏تواند در چارچوب دعوت از طریق اینترنت تعریف شود. یک نمونه اولیه از آن،ایستگاه دنیای اطلاعات‏ الکترونیک مسلمانان بود،که نمایانگر یک‏ «مدرسه»،یک«مسجد»،ترجمه‏های متعددی‏ از قرآن،یک کتابخانه اسلامی و یک خانقاه‏ صوفیان بود.سپس اتحادیه دانش‏آموزان‏ مسلمان( ASM )یک متاپیج منابع و متون‏ اسلامی را فراهم آوردند که جایگزین گسترده‏ای‏ شامل یک مجموعه انتخاب مسیرها برای منابع‏ اولیه اسلامی بود.

همچنین شایان توجه است که بعضی‏ ایستگاه‏ها خود را وقف جست و جوهای اتفاقی‏ و تحقیقات می‏کنند که این کار به هدف ارائه‏ اطلاعات ناب انجام می‏شود.در بعضی موارد یک ناحیه یا موضوع خاص مورد فعالیت رایانه‏ای‏ بیش از حد قرار می‏گیرد.برای مثال در اندونزی،کشوری که بیشترین جمعیت مسلمان‏ را در خود دارد به نظر می‏رسد که بیشترین تعداد ایستگاه‏های اینترنت را نیز داراست.یافتن‏ اطلاعات مرتبط با مطالعات اسلامی ممکن است‏ در چنین فضاهایی مشکل باشد.قرار دادن مبادی‏ ورودی روی موضوعات اسلامی مرتبط با حوزه‏های جغرافیایی مشخص،کاری وقت‏گیر و روشی ناکارآمد است.به ویژه زمانی که‏ ایستگاه‏های مطلوب اطلاعات بازرگانی،سطح‏ بالایی را دارا باشند.

قدرت اصلی اینترنت در زمینه مطالعات‏ اسلامی،زمانی است که به عنوان منبع خبر مورد استفاده قرار می‏گیرد.ایستگاه‏های متعدد روزنامه‏های الکترونیکی،آن‏لاین تولید می‏کنند که اغلب از عناوین مطبوعاتی عرفی و ویرایش‏ شده برخوردارند.منابع خبری در خصوص‏ مسایل اسلامی و مسلمانان می‏توانند نیاز به‏ فوریت انتقال خبر را برآورد و ویژگی خبری بودن‏ را به همراه توازن رسانه‏های محلی ایجاد کند. برای مثال پایگاه خبری عرب امکان دستیابی به‏ مجموعه‏ای از اخبار روزنامه‏های عربی و انگلیسی در عربستان سعودی،کشورهای‏ خلیج فارس،لبنان،فلسطین و بریتانیا را ایجاد کرده است.

یک نگاه گذرا به سر مقاله‏ها از طریق‏ روزنامه‏های آن‏لاین کشور،ممکن است که‏ گسترده‏ای از متون اسلامی را به‏وجود آورد.برای‏ مثال«ترکیش دیلی نیوز»،مطبوعات آن‏لاینی را که شامل موضوعات منطقه‏ای و بین المللی است‏ در خود دارد.همچنین روزنامه«گازته»مصر نیز پایگاه مهمی است که البته از بخش آرشیوی خود خدمات خوبی ارائه می‏کند.در خصوص‏ مسلمانان جنوب شرق آسیا،«دیلی استار»مالزی‏ به طور مرتب اطلاعات روز را که شامل‏ موضوعات پر اهمیت مرتبط با اسلام است ارائه‏ می‏کند.«استرتیز تایمز»سنگاپور نیز با آرشیو پیشرفته و با قابلیت انتخاب منطقه‏ای،ایستگاه‏ گسترده‏ای دارد.اما به هر تقدیر یکی از وسیع‏ترین ایستگاه‏های مرتبط با موضوعات‏ اسلامی روزنامه پاکستانی«داون»است که از کراچی منتشر می‏شود و اطلاعات جزیی قابل‏ توجهی را علاوه بر قابلیت دستیابی به منابع‏ آرشیوی در خود دارد.اینها و دیگر روزنامه‏های‏ آن‏لاین،دورنماهای مفیدی را در خصوص وقایع و موضوعات مسلمانان ارائه می‏کند.

این روزنامه‏ها در کنار دیگر منابع خبری آن‏ لاین مانند رویتر به خوبی می‏تواند مورد بهره‏برداری قرار گیرد.از سؤالاتی که باید مورد توجه قرار گیرد،آن است که تا چه میزان قابلیت‏ دستیابی به چنین رسانه‏هایی،دورنماهای‏ مطالعات اسلامی رهیافت‏های کسب معرفت‏ اسلامی را در قرن آینده شکل خواهد داد؟

در این خصوص،همچنین کاربردهای‏ احتمالی آینده و گسترش خدمات آن‏لاین را نیز باید در نظر داشت.برای مثال آژانس‏های دولتی‏ که درک و رهیافت‏شان را نسبت به اسلام در اکثر و اقلیت مسلمانان رشد می‏دهند،افزایش‏ خواهند یافت.یک نمونه اولیهء آن در سنگاپور ایجاد می‏شود که در زمینه کاربردهای اینترنت و خدمات آن بسیار توسعه یافته است.نباید تعجب‏آور باشد که خدمات اسلامی رایانه‏ای‏ توسط یک آژانس دولتی سنگاپور توسعه یافته‏ باشد.ایستگاه انگلیسی زبان دروازه اسلام در سنگاپور تحت حمایت شورای مذهب اسلامی‏ سنگاپور(مجلس علمای اسلامی سنگاپور) فعالیت می‏کند و نمایانگر سرمایه‏گذاری قابل‏ ملاحظه‏ای در منابع است.این ایستگاه شامل‏ آرشیو خطبه‏های روز جمعه و اطلاعات دقیقی‏ از بنیان‏های اسلامی در سنگاپور و دارای قابلیت‏ دستیابی به دیگر موضوعات مرتبط با اسلام‏ است.همچنین روند موجود برای دیگر ایستگاه،به نحوی است که آنها در حال‏ سازماندهی خود بر اساس الگوی خود ساخته و بر مبنای دانش و قدرت اینترنت به شکل مداومی‏ است.

دورنماهای گسترده‏تری درباره اسلام در حال‏ شکل‏گیری در اینترنت است.برخی از این‏ دورنماها الزاما مورد تأیید مقامات دولتی و غیر دولتی نیستند.با توجه به این نکته و با دستیابی به‏ فن‏آوری مناسب و اینترنت بر روی هر فرد یا سازمانی باز است،جالب توجه است که شاهد سکوهایی در اینترنت باشیم که قادر به تنظیم‏ دیدگاه‏های خود باشند و در واقع اینترنت تأثیر قابل ملاحظه‏ای در مقایسه با انقلاب نوار کاست‏ ]امام‏[ خمینی دارد.نمونه‏های متعددی از عقاید مخالف و سانسور شده در دیگر متون وجود دارد که می‏تواند در اینترنت ارائه شود.به عنوان مثال‏ ایستگاه مسلم«میدیا اینترنشنال»اظهاراتی را علیه‏ دولت‏های عربستان سعودی،پاکستان و مالزی‏ در خود دارد.ایجاد انتشارات الکترونیک‏ اسلامی شامل مجلات،ممکن است بر کانال‏های سنتی دانش انتقال،تأثیر داشته باشد. فعالان در این زمینه با استفاده از اینترنت در صدد پیشبرد دستورالعمل‏های اسلامی خاصی‏ هستند.برای مثال مواردی که مرتبط با مسایل‏ \*مؤسسات دانشگاهی با جاذبه‏های مرتبط با اسلام و مسلمانان ایستگاه‏هایی را تاسیس کرده‏اند که علاوه بر پیشبرد رشته‏های درسی‏ مورد نظر،امکان دستیابی به‏ موضوعات مربوط به مطالعات‏ اسلامی را از طریق اینترنت‏ فراهم می‏سازد.

فلسطین،بوسنی،الجزایر و کردها بوده‏اند، مد نظر است.

سرانجام روند تصویرسازی سیاسی که‏ واقعیت سیاسی،فرهنگی و اجتماعی جهان‏ اسلام را تحریف می‏کند جهت رنگ و پوشش‏ دادن به ادراک افراد و نهادهای ملی و بین المللی‏ ادامه خواهد داشت مگر آنکه دو تغییر بنیادی روی‏ دهد:اول توانایی افراد،رسانه‏ها و سیاستمداران‏ غربی در دیدن توسعه در جهان اسلام و جوامع‏ اسلامی نه از دیدگاه خود بلکه از دیدگاه هویت‏ مسلمانان تغییر یابد و دوم،بازسازی سیاست‏ داخلی و شکل حکومت در کشورهای اسلامی‏ که باید قابل مقایسه و انطباق با عقاید مذهبی و اجتماعی اسلامی باشد.بدون این دو شرط تصویر هویت مسلمین همواره مورد تحریف قرار خواهد گرفت.

\*نمونه‏هایی مانند مقالات کارل مارکس در بیگانگی،نگرانی‏های جرج سیمل در جهانشهر، گراهاوالاس در جامعهء عظیم،اریک فروم در اتوماسیون،دیوید ریزمن در دیگر هدایت شده و البته کتاب مورد اشاره جرج اورول به نام 1984، در واقع جست و جو برای جامعه در تاریخ غرب‏ تلاشی است برای پذیرش اجباری شرایطی که‏ احتمال یک نگرانی را حذف و ایجاد نوعی هویت‏ می‏کند. W.H آدن در کتاب عصر اضطراب و آلبرت گاموسی در قرن وحشت در مقام مقایسه‏ با قرن هفدهم به عنوان عصر ریاضیات و قرن‏ هجدهم به عنوان عصر علوم فیزیکی و قرن‏ نوزدهم به عنوان عصر زیست شناسی بوده‏اند. اگر چه خصوصیت سازی آنها به شکل منطقی‏ صورت نپذیرفته است و آن ترس،علم نیست. کاموسی عملکرد منفی عصر تکنولوژی و علم‏ را در جهت رو به زوال گذاشتن هویت انفرادی‏ و نابودی جامعه پیگیری کرد.فرانتس کافکا در «رمان قلعه»،تصویر دیگری از بیگانه سازی‏ غربی در جامعه مدرن و جست و جوی هویتی‏ جدید ارائه می‏دهد.قهرمان کافکا به وسیله نیاز به احتیاجات اولیه زندگی نیاز به ریشه داشتن در خانه و عضویت داشتن در یک جامعه به وجود آمده است.اما دولتمردان در قلعه غیر ارتباطی، اقتدارگرا و غیر قابل دسترسی هستند.در صحنه‏ جامعه‏شناختی و سیاسی مطالعات،روبرلیند در خصوص شهر متوسط در آمریکا و کارهای پاول‏ تیلیچ در اروپا به ترتیب نشانگر ظهور یک‏ هوشیاری ناشی از اضطراب و هویت در مناطق‏ شهری و جوامع و توصیف شرایط در اروپا بود که هم زمان با توسعه فاشیسم در آلمان صورت‏ گرفته است.در حوزه فلسفه و مذهب سؤال از نگرانی و هویت در سوژه‏های اصلی قرار دارد که در ذهن الهیات‏شناسانه رینهولد نیه‏لور و مارتین هایدگر اگزیستانسیالیست که در زندگی‏ خود تجربی‏های خوبی کسب کرده‏اند،شکل‏ گرفته است و در بحران فرهنگی جامعه غرب‏ تأثیر دارد.ببینید W.H آدن عصر اضطرار، نیویورک،1947،فرانتز کافکا،قلعه‏ نیویورک،1930،لیندولیند در،شهر متوسط نیویورک،1920،شهر متوسط در حال انتقال‏ نیویورک،1937 پاول تیلیچ.عصر پروتستان، نشر دانشگاه شیکاگو،1947،اریک فروم، فرار از آزادی،نیویورک،1941.رینهولد نیهور،طبیعت و سرنوشت انسان نیویورک، 1941 و زیگموند فروید،درآمدی عمومی بر روانکاوی،چاپ آمریکا نیویورک،1920.